

بررسی مقایسه ای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و عربستان در بحران و جنگ داخلی یمن (دوره زمانی: دوره دوم ریاست جمهوری حسن روحانی)

اسد امیری کیان^۱

^۱ دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه اصفهان

نویسنده مسئول:

اسد امیری کیان

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی (سال هفتم)
شماره ۲۳ / بهار ۱۴۰۰ / ص ۱۹-۲۸

چکیده

سیاست خارجی بخشی خطیر در زندگی، رفتار و زمامداری تمام دولت-ملت‌ها بشمار می‌رود. ایران، به مثابه یک قدرت استوار منطقه ای در این دوره از انتقال پرتنش در سیاست جهانی، از موقعیتی ویژه برخوردار است. موقعیت سوق الجیشی و استراتژیک یمن در باب‌المندب و دریای سرخ و خلیج عدن از یکسو و نقش و تاثیرگذاری آن در تحولات منطقه‌ای خاورمیانه و بویژه در شبه جزیره عربستان از سویی دیگر همواره از عناصر تاثیرگذار بر ثبات منطقه‌ای کشورهای همجوار بوده است. وجود قومیت‌های مختلف، فعالیت احزاب و جریان‌های سیاسی و مذهبی همچون اخوان‌المسلمین، شیعیان و زیدی‌ها، وهابیون و گروه‌های طرفدار القاعده و... در این کشور همواره از عوامل مهم حضور و نفوذ کشورهای منطقه‌ای در این کشور بوده است. در این میان حضور ایران و عربستان در این کشور در سطوح مختلف و رقابت جریان‌های سیاسی همسو با هر یک از این کشورها در صحنه سیاسی یمن از مهم‌ترین مولفه‌های موجود برای شناخت ساختار سیاسی، قبیله‌ای و اقتصادی کشور یمن می‌باشد. بنابراین هدف اصلی این تحقیق بررسی سیاست خارجی ایران و عربستان در یمن در دوره دوم ریاست جمهوری حسن روحانی می‌باشد. روش تحقیق در این مطالعه تحلیلی- توصیفی می‌باشد و مطالب مورد نیاز با استناد به مقالات و کتب و پایگاه‌های اینترنتی جمع‌آوری شده و سپس مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این تحقیق نشان داد که سیاست خارجی حسن روحانی در دوره دوم ریاست جمهوری درباره یمن بر پایه گفتگو بوده و مبتنی بر توافق سیاسی، دوری از سیاست‌های جنگ طلبانه و استفاده ابزاری از تروریسم است. سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دولت کنونی معطوف نیل به تفاهم و اجماع در سطح ملی و تعامل سازنده و همکاری مؤثر با دنیای خارج خواهد بود. اصول عزت، حکمت و مصلحت سیاست ایران را هدایت خواهند کرد. هدف این راهبرد کلی حفظ و تقویت امنیت ملی ایران، خنثی سازی یا حذف تهدیدات بیرونی، مبارزه با اسلام هراسی و ایران هراسی، ارتقای جایگاه کشور، و نیل به پیشرفت فراگیر خواهد بود. عربستان سیاست خود را از یک سیاست محافظه کارانه تاریخی به یک سیاست تهاجمی، از سیاست نوعا انفعالی به سیاست فعال تبدیل کرده است.

کلمات کلیدی: یمن، جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی، سیاست خارجی، حسن روحانی، دوره دوم ریاست جمهوری

۱- مقدمه

سیاست خارجی بخشی خطیر در زندگی، رفتار و زمامداری تمام دولت-ملت‌ها بشمار می‌رود. اما در سالهای اخیر به موازات پیچیده‌تر شدن روابط بین دولت‌ها، اهمیت آن حتی بیشتر نیز شده است. افزایش اجتناب ناپذیر در تعداد بازیگران بین المللی شامل سازمانهای چندجانبه، بازیگران غیردولتی و حتی اشخاص، سیاست‌گذاری را پیچیده‌تر ساخته است. در عین حال استمرار فرآیند جهانی شدن - هرگونه که تصور و تعریف شود و چه ستایش شود و چه تقبیح - تأثیر گریز ناپذیر خود بر سیاست خارجی دولت‌ها، اعم از بزرگ و کوچک، توسعه یافته و یا در حال توسعه، را بر جای نهاده است. ایران، به مثابه یک قدرت استوار منطقه‌ای در این دوره از انتقال پرتنش در سیاست جهانی، از موقعیتی ویژه برخوردار است. با داشتن وسعت خاک و موقعیت منحصر به فرد جغرافیایی در مسیر خط ترانزیت شرق - غرب، ایران از عهد قدیم تاکنون همواره از موضعی مسلط در منطقه خود و ماوراء آن برخوردار بوده است. پیروزی انقلاب مردمی، فراگیر و ضد سلطنتی ۱۹۷۹ با ترکیبی از ویژگیهای جمهوریخواهانه و اسلامی به ایجاد یک نظم انقلابی جدید در کشور انجامید. آثار و نتایج آن بسیار شدید و عمیق بود؛ انقلاب نه تنها در همسایگی بلافصل کشور، بلکه در سرتاسر خاورمیانه بزرگ و در بقیه جهان، روابط خارجی کشور را عمیقاً تحت تأثیر قرار داد.

از سوی دیگر یمن به واسطه برخی ویژگیها مورد توجه برخی کشورهای منطقه‌ای همچون ایران و عربستان نیز بوده است چنانچه عربستان بزرگترین همسایه این کشور در شبه جزیره محسوب می‌شود و ریاض نسبت به تحولات آن به شدت حساس بوده و در سال‌های اخیر با دقت بیشتری تحولات داخلی یمن را دنبال کرده است. آل سعود از زمان شکل‌گیری جنبش شیعیان صعه و متحد شدن قبایل شیعه در استان‌های صعه و آل عمران با ظرافت بیشتری این تحولات را پی‌گیری می‌کند و شیعیان صعه را خطری بالقوه برای وهابیت به شمار می‌آورد، به خصوص اینکه آنها را مانع بزرگی برای گسترش تفکرات وهابی‌گری در خاک یمن می‌داند. علاوه بر این، خاک یمن، مأمن مطمئنی برای مخالفان سیاست‌های عربستان به شمار می‌رود. از جنگ چهارم الحوثی‌ها در سال ۲۰۰۴، آل سعود متوجه نفوذ و تأثیرگذاری شیعیان در تحولات داخلی یمن و مناطق مرزی عربستان شد چرا که احساس کرد بحران داخلی یمن - بواسطه مجاورت استان‌های شیعه نشین (جازان و الشرقيه) عربستان در مجاورت مرز یمن - ممکن است به این کشور منتقل شود. از این رو عربستان با تمام قوا به ایجاد محدودیت‌ها برای شیعیان و زیدیان یمن در استانهای شمالی این کشور از طریق کمک به قبائل سنی - وهابی و همچنین تحریک و تطمیع دولت یمن برای سرکوب این گروه در کنار سرکوب دیگر گروه‌های مخالف عربستان همچون اخوان المسلمین یمن پرداخت. در این وضعیت جمهوری اسلامی ایران در مقام حمایت از شیعیان این کشور در مقابل وهابیون همواره یکی از حامیان شیعیان الحوثی بوده و با توجه به مخالفت برخی گروه‌های یمنی با تسلط و نفوذ عربستان در یمن و گرایش آنها به ایران در نبود ساختار حکومتی قوی در این کشور، ایران به بازیگری مهم در عرصه تحولات یمن تبدیل شده است که در کنار عربستان از عوامل مهم و تأثیرگذار بر وقایع و جریان‌های سیاسی - مذهبی یمن بشمار می‌رود. موقعیت سوق الجیشی و استراتژیک یمن در باب‌المندب و دریای سرخ و خلیج عدن از یکسو و نقش و تأثیرگذاری آن در تحولات منطقه‌ای خاورمیانه و بویژه در شبه جزیره عربستان از سویی دیگر همواره از عناصر تأثیرگذار بر ثبات منطقه‌ای کشورهای همجوار بوده است. وجود قومیت‌های مختلف، فعالیت احزاب و جریانهای سیاسی و مذهبی همچون اخوان المسلمین، شیعیان و زیدی‌ها، وهابیون و گروه‌های طرفدار القاعده و... در این کشور همواره از عوامل مهم حضور و نفوذ کشورهای منطقه‌ای در این کشور بوده است. در این میان حضور ایران و عربستان در این کشور در سطوح مختلف و رقابت جریانهای سیاسی همسو با هر یک از این کشورها در صحنه سیاسی یمن از مهم‌ترین مولفه‌های موجود برای شناخت ساختار سیاسی، قبیله‌ای و اقتصادی کشور یمن می‌باشد که در پژوهش حاضر بدان پرداخته می‌شود در این پژوهش تلاش می‌شود به بررسی این مسائل بپردازیم. در نهایت هدف اصلی این تحقیق بررسی سیاست خارجی ایران و عربستان سعودی و نقش ایفاشده توسط این کشورها در قبال تحولات یمن بوده است.

۲- پیشینه تحقیق

همتی و همکاران در سال ۱۳۹۷ مقاله‌ای تحت عنوان اثرات سیاست خارجی عربستان در یمن بر نقش آفرینی ایران در خاورمیانه در پی پاسخ به این سوال بودند که سیاست خارجی عربستان سعودی در یمن چه تأثیری بر نقش جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه دارد؟ در پاسخ به این سوال آنها بیان داشتند که عربستان سعودی نقش آفرینی ایران را در تقویت محور مقاومت به عنوان مداخله جمهوری اسلامی ایران در حوزه خاورمیانه عربی تلقی نموده و آن را در جهت کاهش نفوذ و نقش منطقه‌ای خود ارزیابی می‌کند. در راستای مقابله با این برداشت تهدید از سوی جمهوری اسلامی ایران یافته‌های این مقاله مبین این است که از نگاه عربستان تحولات یمن، جنگ با قدرت و نفوذ ایران در شبه جزیره عربستان در کنار مرزهای جنوبی اش است. در این راستا کشور مذکور در حوزه تحولات یمن تلاش می‌کند تا نفوذ داخلی خود را از طریق همکاری با سایر بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای گسترش داده و در مقابل محور مقاومت، موازنه سازی نماید. (همتی، ۱۳۹۷)

درج و همکاران در ۱۳۹۶ مقاله ای با عنوان جایگاه راهبردی یمن در سیاست خارجی و امنیتی ترامپ به رشته تحریر درآوردند و اظهار داشتند که اقدامات و قرارداد های جدید ترامپ در فروش تسلیحات نظامی، موجی از نگرانی ها را برای رشد بی رویه جنگ افزار ها در جهان ایجاد کرده است. وی ابتدا با مطرح کردن منطقه امن در سوریه درصدد بود که حضور مستقیم آمریکا را در منطقه غرب آسیا موجه جلوه دهد که با مخالفت روسیه و ایران تعدیل هایی در طرح خود ایجاد کرد و در این رابطه ترامپ دستور داد که پهپاد های آمریکایی برای بمباران مناطق مختلف یمن به بهانه مبارزه با القاعده مورد استفاده قرار گیرد. یافته های این پژوهش نشان داد که ترامپ با اهدافی همچون پاره کردن حلقه های محور مقاومت، حذف ایران از معادلات منطقه و نیز جلوگیری از سرایت امواج شیعه گری به عربستان رویکردی سخت و قدرت طلبانه را در قبال تحولات یمن اتخاذ کرده است. وی برای نشان دادن و به رخ کشیدن قدرت آمریکا در منطقه از دست زدن به اقدامات نمایشی ابایی ندارد و با نگاهی کاسب کارانه و منفعت محور به تحولات یمن، انبار سلاح های غربی را با دلار های نفتی مرتجعین عرب به منطقه سرازیر می کند. روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی و بر مبنای رئالیسم تهاجمی شکل میگیرد. (درج و همکاران، ۱۳۹۶)

۳- سیاست خارجی و اهداف آن

سیاست خارجی که شامل تنظیم، اجرا و همچنین خود محصول و نتیجه تصمیمات به شمار می رود، راهنمایی است برای اقداماتی که یک دولت در ورای مرزهای خویش به منظور پیشبرد اهداف خود در رابطه با بازیگران حکومتی و غیر حکومتی به عمل می آورد. می توان گفت که سیاست خارجی شامل تعیین و اجرای یک سلسله اهداف و منافع ملی است که در صحنه بین المللی از سوی دولت ها انجام می پذیرد. سیاست خارجی می تواند ابتکار عمل یک دولت و یا واکنش آن در قبال کنش دیگر دولت ها باشد. (مقتدر، ۱۳۵۸). اهداف سیاست خارجی را تصمیم گیرندگان رسمی دولت تعیین می کنند تا بتوانند وضع بین المللی موجود را به نفع منافع ملی خود تغییر دهند و یا اینکه در حفظ آن بکوشند. اهداف سیاست خارجی حاصل تحلیل مقاصد و وسایل نیل به اهداف می باشد. گرچه اهداف روشن و واقعی سیاست خارجی، از کشوری به کشور دیگر متفاوت است، همه کشورها دارای اهدافی چون هدف های کوتاه مدت و حیاتی، هدف های میان مدت، هدف های بلند مدت می باشند. (سجادپور، ۱۳۸۳). گرچه تصمیم گیرندگان نقشی اساسی را در فرآیند سیاست گذاری خارجی ایفا می کنند، نباید تصور کرد که هدف ها و منافع ملی بدون مقدمه از اذهان سیاست گزاران تراوش کرده، به صورت سیاست ها و جهت گیری های خاصی به مورد اجرا در می آیند؛ بلکه عوامل دیگری در بوجود آمدن آنها دخیل می باشند از جمله:

۱. ارزش ها و اعتقادات
۲. زمینه های تاریخی و فرهنگی
۳. تصویر کلی از سیاست بین المللی
۴. برداشت ها
۵. مشکلات داخلی و افکار عمومی:
۶. نیازهای داخلی:
۷. ساختار نظام بین الملل: (قوام، ۱۳۷۲)

۴- تقابل سیاست خارجی ایران و عربستان

عربستان سعودی و ایران از زمان خروج انگلستان از خلیج فارس در دهه ۱۹۷۰، دو بازیگر اصلی منطقه ای در خلیج فارس و خاورمیانه بوده اند. این دو بازیگر در کنار عراق سه قدرت منطقه ای محسوب می شوند که نوع رویکرد و تعاملات آنها در منطقه و همچنین روابط آنها با قدرت های فرامنطقه ای، در شکل دهی به ترتیبات و شرایط سیاسی و امنیتی منطقه از عوامل عمده تلقی می شود. روابط و رویکردهای متقابل عربستان سعودی و ایران، در طول چند دهه گذشته دوره های متفاوتی را پشت سر گذاشته و فراز و نشیب هایی داشته است. با این حال این روابط به رغم برخی همکاری ها همواره با رقابت ها و تعارضاتی نیز همراه بوده است. (اسدی، ۱۳۹۰) عوامل و دلایل متعددی در تغییر رویکردهای ایران و عربستان سعودی در قبال یکدیگر و روابط آنها تأثیرگذار بوده است. عوامل ساختاری مانند ساختار قدرت در نظام بین الملل و سطح منطقه، ساختار رژیم های سیاسی در دو کشور، عوامل و بسترهای تاریخی و فرهنگی - مذهبی، از مؤلفه های با ثبات و دارای تأثیرگذاری بیشتر بر این روابطند. اما عواملی مانند تغییرات دیدگاه های رهبران سیاسی و تحولات داخلی دو کشور و همچنین تحولات و روندهای منطقه ای، از مؤلفه هایی هستند که به تغییر در رویکردها و روابط عربستان سعودی و ایران منجر شده است. تغییر و تحولات منطقه ای یک دهه اخیر بر رویکرد عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی ایران تأثیر گذاشته است. تغییر رژیم در عراق و تحولات بعدی آن، تحولات و جنگ های مربوط به لبنان و فلسطین، رخداد های صورت گرفته در سوریه و همینطور در یمن از مهم ترین تحولات منطقه ای

مورد نظر هستند. در این راستا استدلال می‌شود که عربستان سعودی با این برداشت که تحولات منطقه‌ای بعد از حمله آمریکا به عراق، باعث افزایش نفوذ و قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران شده، تلاش کرده است تا ضمن گسترش نفوذ خود در منطقه، به ایجاد توازن در مقابل ایران نیز بپردازد. در این راستا کانونهای اصلی منطقه‌ای تمرکز سعودی‌ها برای توازن‌سازی و گسترش نفوذ در مقابل ایران یعنی عراق، سوریه، لبنان، فلسطین، حوزه خلیج فارس و یمن از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خلیج فارس و تبدیل شدن آنها، به خصوص آمریکا، به بازیگری دائمی در ترتیبات امنیتی منطقه‌ای، تعارضات، چالش‌ها و پیچیدگی رویکردهای عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران را در این خصوص افزایش داده است. جمهوری اسلامی ایران خواستار خروج قدرت‌های فرامنطقه‌ای به خصوص آمریکا از منطقه است و معتقد است باید نوعی ترتیبات امنیتی بومی، مبتنی بر مشارکت و همکاری بازیگران منطقه‌ای ایجاد نمود. اما رهبران سعودی از حضور آمریکا استقبال می‌کنند و با در اختیار گذاشتن پایگاه و امکانات مختلف، بسترهای لازم را برای حضور و نقش‌آفرینی این قدرت فرامنطقه‌ای فراهم می‌کنند. به عبارت دیگر، رهبران سعودی در تلاش هستند تا با تعامل و همکاری با آمریکا در منطقه، به موازنه‌سازی در برابر ایران دست بزنند؛ سیاستی که در قالب اقدامات و توافقات مختلف نمودار شده است. عربستان سعودی در طرح‌ها و همکاری‌های نظامی - امنیتی آمریکا و کشورهای منطقه، که یکی از اهداف اساسی آن ایجاد موازنه در برابر جمهوری اسلامی ایران است، بازیگری محوری است. (اسدی، ۱۳۸۹:)

۵- سیاست خارجی عربستان در یمن

سیاست عربستان در قبال همسایه‌های ضعیف منطقه نیز بیشتر در رقابت با ایران و در دو قالب تدافعی (بحرین) و تهاجمی (یمن) بوده است به طوری که پس از شدت گرفتن بحران یمن در دوره علی عبدالله صالح، اقدام مهمی که عربستان با همراهی دیگر اعضای شورای همکاری خلیج فارس انجام داد، اراده طرحی بود که با وجود برکناری صالح از قدرت، ضمن اعطای مصونیت به وی، مجوز نظارت کشور های عضو شورای همکاری با رهبری عربستان در امورات داخلی یمن را فراهم می‌ساخت و این نخستین زمینه مداخله عربستان در امورات داخلی همسایه ضعیف این کشور را فراهم ساخت اما گام دوم در ماه‌های آغازین سال ۲۰۱۵ نمود یافت که عربستان با حکایت کشور های عربی منطقه ای، به بهانه دستیابی حوثی های یمن به موشک‌های بالستیک، نیروی هوایی و به طور کلی، مسائل امنیتی منطقه ای، حملات نظامی به یمن را آغاز کردند؛ اما پر واضح است که نگرانی عربستان و دیگر اعضای شورا بیشتر ناشی از قدرت گرفتن گروه های شیعی، مانند انصارا... و حوثی ها در یمن است که همسو با منافع ایران هستند؛ برای مثال، در همین زمینه سعود الفصیل، وزیر وقت امور خارجه عربستان در ۲۳ مارس ۲۰۱۵ و در آستانه حمله عربستان به یمن، نسبت به نفوذ ایران در یمن هشدار داده بود و تهدید کرد که علیه جنبش انصارالله وارد عمل خواهد شد.

از نظر واکنش بازیگران خارجی به حوادث داخلی یمن در جریان بهار عربی و پس از آن، بدون شک عربستان مهمترین نقش را در این تحولات داشته است. عربستان همواره نقشی مداخله گرایانه در یمن داشته و این کشور را حیاط خلوت خود تلقی کرده است، طوری که اکثر مردم یمن گذشته از مذهب، جهتگیری سیاسی یا طبقه اجتماعی؛ بر این باورند که عربستان نقش مهمی در بی ثباتی این کشور ایفا میکند (بلامی، ۲۰۱۱). مهمترین اقدامات ائتلاف سعودی عبارت اند از: ائتلاف سازی نظامی و کسب حمایت سیاسی، محاصره اقتصادی و نظامی، بی اعتنائی به هنجارهای حقوقی و انسانی بین المللی، کسب حمایت سازمانها و قدرتهای بین المللی، جبهه بندی سیاسی و مذهبی، جنگ روانی و رسان های، تخریب زیرساخت های اقتصادی و دولتی، حمله نظامی و کشتار غیرنظامیان، مشروعیت زدایی از بازیگران مستقل و طرح دولت سازی نوین (سجادی، ۱۳۹۰). عربستان نفت خود را از طریق تنگه هرمز و باب‌المندب به خارج صادر می‌کند و در صورتی که تنگه های یادشده بسته شوند، صادرات نفت این کشور عملاً قطع میشود. برای رفع این تنگنای ژئوپلیتیک، عربستان به جنوب چشم دوخته است. سیاست عربستان طی سالیان این بوده است که به هر نحو ممکن به دریای آزاد دسترسی پیدا نماید. در جنوب عربستان دریای عرب که دریایی آزاد است، واقع شده است و از طریق آن میتوان به طور مستقیم به اقیانوس هند دسترسی پیدا کرد؛ اما استانهای ظفار عمان و حضر موت یمن مانع عمده دسترسی این کشور به دریای آزادند، لذا عربستان همواره تلاش کرده است تا این موانع را با تهاجم به یمن و اعمال فشارهای مختلف بر این کشور از میان بردارد (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۵). عربستان در طول دهه های مختلف از جنبشها و گروههای جدایی طلب عمان و یمن دفاع کرده است تا بتواند بر یمن و ظفار مسلط شود و به دریای آزاد نیز دسترسی پیدا نماید. شکی نیست که هدف عربستان از این حملات و جنگهای ضد یمن، تسلط بر حضر موت یمن است؛ زیرا عربستان بهطور رسمی اعلام کرده است که حضر موت متعلق به این کشور است (سالمونی، ۲۰۱۰). در ۶ فروردین ۱۳۹۴ عربستان با ائتلافی از کشورهای منطقه که رهبری آن را بر عهده داشت در عملیات «طوفان قاطعیت» و پس از آن «برگرداندن امید» حملات هوایی به یمن را شروع کرد. اما تا به امروز در نائل آمدن به هدف خود در شکست دادن ائتلاف حوثی‌ها و صالحی‌ها و بازگرداندن عبدربه منصور هادی به نتیجه نرسیده است. علاوه بر روند فرسایشی و هزینه‌های بالای جنگ در یمن، فشارهای بین‌المللی به منظور توقف کشتار غیرنظامیان و مسائل حقوق بشری نیز سیاست‌های آن‌ها را با

مشکل مواجه کرده است. در این میان هلند یکی از کشورهایی است که تلاش‌های بسیاری کرد تا تشکیل یک کمیته بین‌المللی برای رسیدگی به ادعای جنایات جنگی در یمن را به تصویب شورای حقوق بشر برساند. اما موقعیت بین‌المللی عربستان باعث شده است تا به طور رسمی اقدام خاصی صورت نگیرد. با وجود این، در سال‌های گذشته فشارهایی از سوی اتحادیه اروپا و برخی سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی وارد شده است تا عربستان با توقف جنگ وارد مذاکره و گفت‌وگو شود. در این میان تحریم تسلیحاتی غیرالزامی عربستان توسط اتحادیه اروپا از مهمترین آن‌هاست.

تغییر در تاکتیک‌های سیاست خارجی کشورها نشان‌دهنده انعطاف و تطبیق‌پذیری آن‌ها با شرایط و محیط منطقه‌ای و بین‌المللی است. به رغم بروز برخی علایم و نشانه‌های تغییر در سیاست عربستان در قبال جمهوری اسلامی ایران، راهبرد عربستان در منطقه با تغییراتی همچنان ادامه دارد. عربستان همچنان به عنوان بازیگری تأثیرگذار در شکل‌گیری در تحولات منطقه نقشی مهم دارد. این موضوع به وضوح در نفوذ عربستان در جامعه بین‌المللی و به ویژه تأثیرگذاری آن در قبال راهبردهای دهشتناکی که درخصوص کشتار غیرنظامیان و جنایات جنگی در یمن مرتکب شده است، دیده می‌شود. بنابراین، تغییر محدود در راهبرد عربستان نباید جمهوری اسلامی ایران را به محاسبات استراتژیک اشتباه در قبال عربستان سوق می‌دهد.

در این راستا ایران نیز این نکته را می‌داند که در تحولات یمن عربستان اجماع منطقه‌ای برای فعالیت‌های خود علیه معارضین حکومت یمن را شکل داده است. به عبارت دیگر، یمن برای عربستان حکم سوریه برای ایران را دارد. بنابراین، این تصور که عربستان در تحولات یمن پس از صرف هزینه‌های مالی و جانی سنگین بدون رسیدن به اهداف خود عقب‌نشینی کند دور از ذهن است.

به نظر می‌رسد عربستان تمایل دارد در سوریه و یمن با ایران و متحدان فرامنطقه‌ای آن به توافق برسد. تا از این طریق از بدتر شدن اوضاع در منطقه جلوگیری و در بلندمدت وضعیت منطقه‌ای را به پیش از تحولات بهار عربی بازگرداند. عربستان در ازای امنیت یمن و سرکوب شورشیان، حمایت و پشتیبانی خود از گروه‌های معارض سوری را کنار بگذارد و حتی مذاکره برای قانع کردن آن‌ها به منظور پذیرش نقش بشار اسد در آینده سیاسی سوریه را نیز شروع کرده است. این نوع معامله قدرت پس از توافق دو کشور در لبنان می‌تواند مسیر سیاسی منطقه خاورمیانه را بازیابی کند و ثبات و صلح و آرامش را به ارمغان بیاورد و می‌تواند همکاری آن‌ها را در حوزه‌های مختلف امنیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تسهیل کند.

نگاه عربستان به یمن به اقتضای ژئوپولیتیک و واقعیت‌های جغرافیای، سیاسی، تاریخی و انسانی شبیه دوتگاه سوریه به لبنان و عراق به کویت بود. بنابراین اهمیت یمن برای عربستان سعودی و به تعبیری نقش و جایگاهی که همانند لگن خاصره برای شبه‌جزیره عربی ایفا می‌کند، مبتنی بر واقعیت‌های ملموس و تردیدناپذیر است. این نکته را در مجموعه مسائلی که مطرح می‌شود باید در نظر گرفت. نکته دوم این است که اگر نگاه تاریخی، سیاسی و جامعه‌شناختی به مساله داشته باشیم، متوجه می‌شویم که شکل‌گیری دولت عربستان سعودی در دوران معاصر مبتنی بر دو پایه و بنیان اساسی داخلی و خارجی است.

پایه داخلی مبتنی بر توافق میان شاخه دینی این حکومت و ساختار سیاسی است، یعنی خاندان آل شیخ با شاخه سیاسی که خاندان آل سعود است. بنیان داخلی این شبه جزیره و آنچه عربستان سعودی نامیده می‌شود مبتنی بر این پایه داخلی و توافق میان منبع ایدئولوژیک وهابی ساختار سیاسی و منبع قدرت سیاسی است و این هم‌پیمانی و هم‌پیوندی واقعیت عربستان سعودی را در دوران معاصر نشان می‌دهد. پایه دوم موجودیت عربستان سعودی، سیاست خارجی و مبتنی بر هم‌پیمانی غربی این کشور با قدرت‌های برتر ابتدا انگلستان و بعد ایالات متحده امریکا بوده است.

زمانی که عربستان در یمن با آن وضعیت ژئوپولیتیک و ربطی که با سعودی به دلیل جغرافیای سیاسی و تاریخی دارد روبه رو می‌شود طبیعی است که نظاره‌گر نمی‌ماند. مساله اینجاست که سیاست‌هایی که این کشور در مجموعه تحولات منطقه‌ای در نتیجه موج اول این تغییرات و جریان‌های سلفی اتخاذ کرده است، بیش از آنکه مشکل عربستان سعودی را حل کند بر مشکلات این کشور افزوده است. عربستان تلاش کرد جریان جهادی و تکفیری را از درون عربستان صادر و مساله داخلی را به مساله بیرونی تبدیل کرده و از آن به عنوان ابزار سیاست‌های خود در منطقه استفاده کند. اما واقعیت این است که این جریان هویت ایدئولوژیک و سیاسی دارد و خود را جایگزین عربستان سعودی و نظام آن می‌داند و صرفاً ماهیت ابزاری و تاکتیکی ندارد.

درست است که عربستان و این جریان در جاهایی هم‌پوشانی منافع پیدا می‌کنند و این جریان به ید ضارب آل سعود تبدیل می‌شود اما در نهایت سحر به ساحر غلبه و به سمت عربستان برگشت پیدا می‌کند. عربستان در حال حاضر نه تنها نتوانسته مسائل داخلی خود را با صدور جریان افراطی حل و فصل کند بلکه امواج بیرونی را هم ایجاد کرده که به شکل طبیعی می‌خواهد به سمت عربستان حرکت کند.

برخورد عربستان با واقعیت در یمن هم از همین جنس است. با بمباران، سرکوب و کشتار امکان تغییر و سد شدن در برابر جریان پیش‌رونده مبتنی بر واقعیت‌های اجتماعی و تاریخی موجود در جامعه یمن وجود ندارد. این مساله قابل فهم است که چرا عربستان سیاست خود

را از یک سیاست محافظه کارانه تاریخی به یک سیاست تهاجمی، از سیاست نوعا انفعالی به سیاست فعال تبدیل کرده است، اما سیاست‌هایی که اتخاذ کرده مجموعه مشکلاتی را که در بالا ذکر کردم به وجود آورده است.

این مساله درست است که به دلیل برتری امکان حمله هوایی این کشور را به شکل گسترده‌ای مورد حمله قرار داده اما روی زمین چه اتفاقی رخ داده است؟ آیا بمباران از هوا واقعیت‌های موجود روی زمین را تغییر داده است؟ یا اینکه امواج اجتماعی ضد عربستان سعودی را تقویت کرده و پیشروی انصارالله و هم‌پیمانان آن را سرعت بخشیده است؟ واقعیت‌های روی زمین حاکی از این است که اهداف عربستان سعودی محقق نشده است. عربستان سعودی می‌داند که باید در برابر امواج تغییر کاری بکند اما راه‌حل‌هایی که در پیش گرفته بیشتر در مسیر نقض غرض حرکت می‌کند و منتج به نتایج مدنظر عربستان سعودی نخواهد شد. در خصوص بحرین هم چنین مساله‌ای مصداق دارد.

درست است که موج مطالبه‌ها برای تغییر را از رسیدن به نتایج ملموس خود در این کشور بازداشته اما آیا واقعیت‌های روی زمین را تغییر داده است؟ آیا جلودار شدن در برخورد با نیروی اخوان در منطقه منجر به حذف اخوان المسلمین شد؟ خیر. عربستان با این سیاست باز هم آتش زیرخاکستری را ساخته است که در کوران حوادث خود را بروز می‌دهد. راه‌حل‌های مبتنی بر حذف و سرکوب و عدم به رسمیت شناختن باز یگران دیگر پاسخگو نخواهد بود. عربستان باید روند تحولات و تغییر را درک کند. محیط پیرامونی عربستان، جامعه این کشور، جهان عرب و جامعه بین‌المللی به دلایل متعدد در حال تحول و تغییر است و دو راه بیشتر در برابر این مساله وجود ندارد. یک راه که عربستان هم به آن روی آورده ایستادگی در برابر این تحولات و تغییرات است.

اما هیچ قدرتی قادر نخواهد بود در برابر اراده ملت‌ها برای تغییر برای همیشه بایستد و تنها می‌تواند این روند را به تاخیر بیندازد. اگر قرار بود سیاست سرکوب و حذف پاسخگو باشد، انقلاب‌های عربی اتفاق نمی‌افتاد. این امواج دوباره هم تکرار خواهند شد. ما در منطقه با پایان تاریخ روبه رو نیستیم. منطقه خاورمیانه در حال شدن است. مشکل عربستان سعودی این است که خود را حافظ وضع پیشین می‌داند و به دنبال این است که عقربه زمان را به عقب بازگرداند اما واقعیت این است که این عقربه نه در یمن و نه در هیچ نقطه دیگری در منطقه به عقب بازمی‌گردد. سیاست عربستان در عراق هم بر اساس همین مقاومت در برابر تغییر بوده است. تا به امروز عربستان در برابر تغییرات رخ داده در عراق مقاومت کرده و این تغییرات را به رسمیت نشناخته است.

در عراق هم عربستان تلاش می‌کند به نحوی از نیروهایی حمایت کند که بازی شکل گرفته جدید دموکراتیک در عراق را به هم می‌زنند. با این‌همه سیاست‌های عربستان نه در عراق پاسخ داده است و نه در یمن. عربستان باید سیاست پذیرش اصل تحولات و تغییرات را در پیش بگیرد و تلاش برای تاثیرگذاری در روند تحولات را مبنای کار خود قرار دهد. این در حالی است که عربستان در حال حاضر می‌جنگد تا هیچ تحولی صورت نگیرد.

۶- سیاست خارجی ایران در یمن در دوره دوم ریاست جمهوری حسن روحانی

دوران ۸ ساله محمود احمدی نژاد را شاید بتوان تاریک‌ترین دوره در تاریخ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دانست، دوره‌ای که بسیاری از دیپلمات‌های با سابقه و کارکشته از کار کنار رفتند و دستگاه‌های موازی با وزارت خارجه بار دیگر در تصمیم‌گیری‌های دیپلماسی ایران احیا شدند و میزان قدرت‌نمایی آنها به بیشترین میزان در تاریخ جمهوری اسلامی رسید. همچنین پیگیری روندی بی حاصل در خصوص امید صرف به شرق در جریان صدور قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل خود را نشان داد. جایی که چین و روسیه، مانند آمریکا، بریتانیا و فرانسه به تمامی قطعنامه‌های ایران رای مثبت دادند.

سخنی به گزاف نگفته‌ایم اگر پیروزی روحانی را حاصل تاکید او بر حل پرونده هسته‌ای بدانیم. با استناد به همین فضا روحانی توانست بر رقبای خود پیروز شود و فصل تازه‌ای از سیاست خارجی را در جمهوری اسلامی پیاده کند.

او دیپلماتی به نام محمدجواد ظریف را که سالها در نیویورک و در مقام سفیر ایران در سازمان ملل متحد حضور داشت به عنوان وزیر امور خارجه تعیین کرد. او همچنین مسئولیت پیگیری پرونده هسته‌ای را از شورای عالی امنیت ملی به وزارت خارجه واگذار کرد. ظریف هم بلافاصله مذاکرات خود را با گروه کشورهای ۵+۱ آغاز کرد. او همچنین به موازات با طرف آمریکایی هم گفتگوهای خود را پی گرفت و بالاخره بعد از حدود ۲ سال مذاکره فشرده و نفس‌گیر، توانست به توافق جامع هسته‌ای با ۵ کشور عضو شورای امنیت سازمان ملل به علاوه آلمان دست یابد. اقدام مهم دیگری که روحانی و ظریف توانستند انجام دهند، خارج کردن پرونده ایران از شورای امنیت و فصل هفتم منشور ملل بود، اتفاقی که در تاریخ بی سابقه بود. چرا که تمام کشورهایی که ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد رفته بودند، تنها با جنگ، یا تغییر رژیم از ذیل آن خارج شدند.

یکی دیگر از انتقاداتی که به عملکرد سیاست خارجی دولت روحانی وارد می‌شود به ناتوانی در حوزه مسائل منطقه باز می‌گردد. جایی که روحانی نه تنها نتوانست برخلاف وعده‌هایی که داده بود مناسبات با عربستان را بهبود بخشد، که حتی کار به قطع روابط هم انجامید. هرچند حامیان دولت روحانی این قطع روابط را کار نیروهای خودسری می‌دانند که با حمله به سفارت این کشور در تهران، زمینه را برای این اقدام

عربستان فراهم ساختند. از آن گذشته یکی دیگر از موضوعات مهم در سیاست خارجی خاورمیانه‌ای ایران نقش پررنگ سپاه قدس به فرماندهی قاسم سلیمانی است. جایی که او با حضور در عراق و سوریه، نقش تعیین کننده‌ای در معادلات منطقه‌ای ایفا می‌کند. این حضور و قدرت ایران اتفاقاً یکی از نگرانی‌های مهم عربستان سعودی و مانعی بر سر تنش‌زدایی میان دو کشور بوده است. در نگاهی بی‌طرفانه باید پذیرفت که عربستان هنوز نتوانسته حقایق منطقه‌ای در خاورمیانه بعد از فروپاشی صدام حسین که به افزایش نفوذ ایران در خاورمیانه و عراق منجر شده را بپذیرد و در نقطه مقابل شروع به تقابل و تنش با این واقعیت کرده است. اما در عین حال تهران هم در این سالها دست به اقدامی سازنده و اعتمادساز که زمینه‌های نگرانی سعودی را برطرف کند نزده است. ضمن اینکه نیروهای یمنی که دست کم روابط نزدیکی با ایران دارند هم بر میزان نگرانی‌های سعودی در مرز خود افزوده‌اند. در مقام قضاوت باید گفت که دلیل هرچه بوده، عملکرد سیاست خارجی دولت روحانی در زمینه منطقه‌ای موفق ارزیابی نمی‌شود. ضمن اینکه برجام و توافق هسته‌ای با تمام تمرکز و تلاشی که برای حاصل شدنش به دست آمده، امروز دیگر کارایی چندانی برای ایران ندارد و نتوانسته حداقل مزایای اقتصادی موجود در این توافق را هم به دست آورد. رابطه با اروپا با وجود اینکه در ابتدا خوب پیش می‌رفت و با اینکه این اتحادیه همچنان بر لزوم زنده نگه داشتن توافق هسته‌ای تاکید می‌کنند، اما چندان امیدوار کننده پیش نمی‌رود. شرکت‌های بزرگ تجاری اروپایی بعد از اجرایی شدن تحریم‌های تازه آمریکا ایران را ترک کرده‌اند و آنهایی هم که مانده‌اند برای تبادلات مالی با مشکلات عدیده‌ای رو به رو هستند.

در دوره دوم ریاست جمهوری که در تاریخ ۲۵ فروردین ۱۳۹۶ روحانی نامزد دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری شد می‌توان گفت که مواضع عملکردیانه روحانی در مورد موضوعات خارجی و داخلی برای رأی دهندگان ایرانی اطمینان بخش بود. مبارزه انتخاباتی روحانی در چند زمینه کلیدی از پلاتفرم رقابیش متمایز بود: تحلیل روشن او از وضعیت جاری در ایران؛ تبیین روشن و بی‌ابهام او از چالش‌های عمده فراوری جامعه و حکومت؛ و رویکرد صادقانه و صریح او در قبال مشکلات و راه حل‌های ممکن. بدین ترتیب روحانی توانست بخش‌های سرخورده جمعیت کشور را در خلال روزهای پایانی مبارزات انتخاباتی در راستای علاقه جدی به انتخابات و نهایتاً مشارکت در یک رأی گیری ملی بسیج نماید.

پلاتفرم سیاست خارجی روحانی مبتنی بر نقدی اصولی، متین و خردمندانه از هدایت روابط خارجی در هشت سال پیش در دوره دولت قبلی بود. روحانی قول داد تا وضعیت غیرقابل قبول امور را از طریق اصلاح اساسی سیاست خارجی کشور درمان کند. تغییراتی که او مطرح کرد نمایانگر درک واقع بینانه از نظم بین‌المللی معاصر و چالش‌های بیرونی جاری در برابر جمهوری اسلامی بود، و نیز آنچه که لازم است تا روابط ایران با دنیای خارج را به وضعیت به هنجار برگرداند. روحانی همچنین خواستار گفت‌وگو با اعتدال شد. این رویکرد می‌خواهد تا ضمن عنایت به حفظ امنیت ملی، ارتقای جایگاه کشور و نیل به پیشرفت فراگیر بلندمدت، ایران را از رویارویی به سوی گفتگو، تعامل سازنده و تفاهم هدایت کند. اعتدال رویکردی مبتنی بر واقع گرایی، اعتماد به نفس، آرمانگرایی واقع‌بینانه و تعامل سازنده است. اقتضای واقع‌گرایی درک ماهیت، ساختار، سازوکارها و پویایی قدرت در نظام بین‌المللی و نیز ظرفیت بالقوه و محدودیت‌های نهادهای آن است. اعتدال در نگاه روحانی ترکیب باور عمیق به آرمانهای محبوب انقلاب اسلامی با ارزیابی عینی از ظرفیت‌های واقعی، توانایی‌ها و نیز محدودیت‌های ایران است. چنین نگاهی خواستار دوری عامدانه از اقدامات توهین آمیز، تحقیرکننده و یا خود بزرگ انگارانه است. این نگاه همچنین مشوق اعتماد به نفس مبتنی بر درک منابع مادی و معنوی ایران منجمله خرد جمعی شهروندان آن است. این نگاه به پاسخگویی، شفافیت و صداقت در برخورد با مردم ارزش می‌نهد و متضمن آمادگی برای اصلاح و بهبود سیاست‌های موجود است. رویکرد روحانی مستلزم تلاشی ظریف برای نیل به توازن است: بین نیازهای ملی، منطقه‌ای و جهانی از یکسو و امکانات، ابزار و سیاست‌های موجود از سوی دیگر؛ بین تداوم و انعطاف در سیاست خارجی؛ بین اهداف و امکانات؛ و بین اسباب و ابزار مختلف قدرت در جهانی دائماً در حال تغییر. نهایتاً، تعهد روحانی به تعامل سازنده مستلزم گفتگو و کنش و واکنش با دیگر کشورها براساس جایگاه برابر، احترام متقابل و در خدمت منافع مشترک می‌باشد. این رویکرد مستلزم آن است که سایر کنشگران نیز تلاش‌های جدی به منظور کاهش تنش، ایجاد اعتماد و دستیابی به تنش زدایی به عمل آورند.

براساس مطالب فوق، سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دولت کنونی معطوف نیل به تفاهم و اجماع در سطح ملی و تعامل سازنده و همکاری مؤثر با دنیای خارج خواهد بود. اصول عزت، حکمت و مصلحت سیاست ایران را هدایت خواهند کرد. هدف این راهبرد کلی حفظ و تقویت امنیت ملی ایران، خنثی سازی یا حذف تهدیدات بیرونی، مبارزه با اسلام هراسی و ایران هراسی، ارتقای جایگاه کشور، و نیل به پیشرفت فراگیر خواهد بود.

در موضع یمن باید گفت که جمهوری اسلامی ایران حتی برای امداد انسانی به یمن خطر هم می‌کند اما محاصره عربستان این اجازه را نمی‌دهد. سعودی در این قضیه هم با یک تناقض مواجه است. از یک طرف شبانه روز ادعا می‌کند که با ایران در حال جنگ است و از طرف دیگر همین ایران نمی‌تواند یک هواپیمای امداد خود را به صنعاً برساند. عربستان تلاش می‌کند مشکل خود در یمن را به ایران نسبت داده و ادعا کند که ایران در این کشور دخالت می‌کند در حالی که این ادعا مبتنی بر ژئوپولیتیک و واقعیت‌های جغرافیای سیاسی نیست. حضور

ایران در یمن حضور نرم افزارانه است و انصارالله پیوند ایدئولوژیک با مدرسه سیاسی ایران پس از انقلاب اسلامی دارند. ایران حضور سخت افزاری و حمایتی از این جنس با انصارالله ندارد.

در تمام بحران ها از سوریه تا بحرین و یمن طرح ایران مبتنی بر توافق سیاسی، دوری از سیاست های جنگ طلبانه و استفاده ابزاری از تروریسم است. قطعاً ما هم اشتباهاتی داشته ایم اما در نمای کلی سیاست هایی که ما اتخاذ کرده ایم چارچوب های روشن و منطقی تری وجود دارد و هم امکان رسیدن به موفقیت های بیشتر وجود دارد. با وجود تند شدن تحولات در یمن همچنان سیاست جمهوری اسلامی ایران، سیاست توافق و دوری از تحمیل هزینه های بیشتر به ملت های منطقه است. عربستان نه تنها واقعیت ها را به رسمیت نمی شناسد که نفی واقعیت ها هم می کند.

سیاست روحانی از ابتدای آغاز تحولات اخیر در منطقه و به شکل خاص پس از روی کار آمدن دولت روحانی بر پایه گفت و گو مابین ایران و عربستان به عنوان دو همسایه و دو نیروی منطقه ای که امکان تاثیر گذاری بر محیط پیرامون خود را دارند، بوده است. روحانی می گوید با سمجعت این سیاست را پیگیری هم کردیم و خطاب سیاسی دکتر روحانی و ظریف تا مدت های طولانی مبتنی بر اصل گفت و گو با عربستان بود. اما مشکل در روابط دیپلماتیک این است که دوطرفه است. سیاست ایران در قبال عربستان به کل واضح و شفاف، تمایل به گفت و گو است. خلاصه گفتمان سیاست خارجی حسن روحانی؛ آرمان خواهی واقع گرایانه، قدرت جویی بین المللی محاسبه گرانه، تعامل با نظم بین المللی، موازنه قدرت بر اساس مفهوم اعتدال، تنش زدایی به ویژه با همسایگان و رویکرد هزینه-فایده است.^{۱۶۱} احسن روحانی درباره هدف ورودش به انتخابات ریاست جمهوری گفته بود «ما برای اینکه به اهداف ملی دست پیدا کنیم و برای اینکه کشور را از تحریم ظالمانه نجات دهیم و برای اینکه روابطمان را با دنیا براساس تعامل سازنده بنیانگذاری کنیم در این عرصه ورود کرده ایم».^{۱۶۲} روحانی اولین رئیس جمهور ایران است که بعد از انقلاب ایران، با رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا، ارتباط مستقیم تلفنی برقرار کرد.^{۱۶۳} همچنین او اولین رئیس جمهور ایران است که بعد از انقلاب اسلامی، با نخست وزیر انگلیس، دیوید کامرون، به عنوان عالی ترین مقام اجرایی انگلستان دیدار کرده است. (دیدگاه های حسن روحانی در سیاست خارجی، ۱۳۹۶)

نتیجه گیری

مقامات سعودی پس از سقوط صدام و ابتر شدن ضلع سه گانه موازنه سنتی قوا در منطقه به تکاپو افتادند تا در کسب هژمونی منطقه‌ای پیشقدم باشند. مهم‌ترین تغییراتی که باعث شد تا این استراتژی در اولویت سیاست‌گذاران سعودی قرار گیرد، درگیری ایران با جامعه بین‌المللی بر سر پرونده هسته‌ای بود. به عبارت دیگر، با گذشت زمان و پیچیده‌تر شدن پرونده هسته‌ای ایران که به معضلی بین‌المللی تبدیل شده بود، عربستان سعی کرد تا با استفاده از موقعیت رقیب سنتی خود را تضعیف و در صورت امکان نابود کند که این موضوع از درخواست‌های پادشاهان سعودی از آمریکا مبنی بر حمله به ایران به ویژه در سال ۲۰۰۷ کاملاً مشهود است. با گذشت زمان و شکل‌گیری برجام و همزمان با آن روند سعودی مشروعیت بین‌المللی ایران و استفاده فرصت‌طلبانه دولت ترامپ از سیاست هژمونی‌جویی عربستان، در کنار هزینه‌های مالی سنگین سیاست تهاجمی باعث شد راهبرد عربستان بیش از دستاورد هزینه سنگین داشته باشد. در این میان، نتایج و پیامدهای سیاست تهاجمی آن در یمن علاوه بر هزینه مالی موجب واکنش جامعه بین‌المللی و خدشه‌دار شدن تصویر عربستان باشد. به طور کلی، عوامل فوق موجب شدند تا عربستان به فکر بازگشت به وضع سابق یعنی مرزهای قدرت خود در دوران قبل از وقوع بهار عربی باشد. نزدیکی به روسیه و همکاری با ایران در زمینه‌هایی خاص، علائمی است که از سوی عربستان سعودی به جمهوری اسلامی ایران و جامعه بین‌المللی مبنی بر عقب‌نشینی از سیاست تهاجمی و کسب هژمونی‌جویی نشان داده است؛ اما بازگشت به آن دوران نه در اختیار عربستان است و نه ممکن. تحولات در منطقه با سرعت زیاد در حال وقوع است. رفتار خرمندانه و همکاری واقع‌گرایانه می‌تواند مانع تشدید بحران‌های منطقه‌ای شده و از تحمیل هزینه‌های جدید جلوگیری نماید.

پلاتفرم سیاست خارجی روحانی مبتنی بر نقدی اصولی، متین و خردمندانه از هدایت روابط خارجی در هشت سال پیش در دوره دولت قبلی بود. روحانی قول داد تا وضعیت غیرقابل قبول امور را از طریق اصلاح اساسی سیاست خارجی کشور درمان کند. تغییراتی که او مطرح کرد نمایانگر درک واقع بینانه از نظم بین‌المللی معاصر و چالش‌های بیرونی جاری در برابر جمهوری اسلامی بود، و نیز آنچه که لازم است تا روابط ایران با دنیای خارج را به وضعیت به هنجار برگرداند. روحانی همچنین خواستار گفت‌وگو با اعتدال شد. این رویکرد می‌خواهد تا ضمن عنایت به حفظ امنیت ملی، ارتقای جایگاه کشور و نیل به پیشرفت فراگیر بلندمدت، ایران را از رویارویی به سوی گفتگو، تعامل سازنده و تفاهم هدایت کند. اعتدال رویکردی مبتنی بر واقع‌گرایی، اعتماد به نفس، آرمانگرایی واقع‌بینانه و تعامل سازنده است. اقتضای واقع‌گرایی درک ماهیت، ساختار، سازوکارها و پویایی قدرت در نظام بین‌المللی و نیز ظرفیت بالقوه و محدودیت‌های نهادهای آن است. اعتدال در نگاه روحانی ترکیب باور عمیق به آرمانهای محبوب انقلاب اسلامی با ارزیابی عینی از ظرفیت‌های واقعی، توانایی‌ها و نیز محدودیت‌های ایران است. نتایج این تحقیق نشان داد که سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دولت کنونی معطوف نیل به تفاهم و اجماع در سطح ملی و تعامل سازنده و همکاری مؤثر با دنیای خارج خواهد بود. اصول عزت، حکمت و مصلحت سیاست ایران را هدایت خواهند کرد. هدف این راهبرد کلی حفظ و تقویت امنیت ملی ایران، خنثی سازی یا حذف تهدیدات بیرونی، مبارزه با اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی، ارتقای جایگاه کشور، و نیل به پیشرفت فراگیر خواهد بود. عربستان سیاست خود را از یک سیاست محافظه‌کارانه تاریخی به یک سیاست تهاجمی، از سیاست نوعاً انفعالی به سیاست فعال تبدیل کرده است.

منابع

- اسدی، علی اکبر «عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران: موازنه سازی و گسترش نفوذ» مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام (بهار ۱۳۹۰)
- سجادیپور، محمدکاظم «وزن های ناهمبستگی: تحلیل استراتژی امریکا در یمن»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۴۸، ۲۹ خرداد ۱۳۹۰.
- سجادیپور، محمدکاظم، (۱۳۸۳)، چارچوب های مفهومی و پژوهشی برای مطالعه سیاست خارجی ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- درج، حمید؛ آقایی، سید داوود؛ ۱۳۹۶، عنوان مقاله " جایگاه راهبردی یمن در سیاست خارجی و امنیتی ترامپ " نشریه مطالعات روابط بین الملل، دوره اول، شماره ۴۰، صص ۳۹ تا ۶۸
- قوام، عبدالعلی، (۱۳۷۲)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
- مقتدر، هوشنگ، (۱۳۵۸)، مباحثی پیرامون سیاست بین الملل و سیاست خارجی، تهران: انتشارات دانشکده علوم سیاسی و اجتماعی.
- همتی، مرتضی؛ ابراهیمی، شهرزاد، فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست جهانی، دوره هفتم، شماره اول بهار ۱۳۹۷
- Blumi, Isa (2011). Chaos in Yemen: Societal Collapse and the New Authoritarianism, Routledge.
- Salmoni, Barak A. (2010). Regime and Periphery in Northern Yemen: the Houthi Phenomenon. RAND Corporation.
- Global Data | Fragile States Index». fragilestatesindex.org. ۲۰۲۰-۰۶-۱۴.
- "2019 Global Hunger Index Results - Global, Regional, and National Trends". Global Hunger Index (GHI) - peer-reviewed annual publication designed to comprehensively measure and track hunger at the global, regional, and country levels. Retrieved 2020-06-14.
- «LDCs at a Glance | Department of Economic and Social Affairs». Economic Analysis & Policy Division | Dept of Economic & Social Affairs | United Nations). ۲۰۰۸-۰۵-۲۵. ۲۰۲۰-۰۶-۱۴.

